



تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود

محمد ملازاده^۱

محمود لاری دشت بیاض^۲

محمدجواد ساعی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۱

چکیده

هدف این مقاله بررسی تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود و بررسی تفاوت مدیریت سود در شرکت‌های دارای مدیرعامل با دانش مالی و سایر شرکتها است. جهت انجام این پژوهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود واقعی به صورت جداگانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۰ شرکت) پرداخته شد. نوع مدرک تحصیلی بعنوان معیاری جهت اندازه‌گیری دانش مالی مدیرعامل در نظر گرفته شده است. جهت تحلیل داده‌های پژوهش، از مدل‌های رگرسیونی چند متغیره ترکیبی/ تلفیقی و همچنین آزمون برابری میانگین استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود شرکت براساس رویدادهای واقعی و اقلام تعهدی اختیاری تأثیر ندارد. از طرف دیگر تفاوت معنی داری بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری و مبتنی بر رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیرعامل دارای دانش مالی و سایر شرکتها وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: دانش مالی مدیرعامل، مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، مدیریت سود واقعی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

۲- استادیار گروه حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات. m.lari@um.ac.ir

۳- استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۱- مقدمه

شناسایی مدیریت سود برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی جهت ارزیابی عملکرد دوره جاری، پیش‌بینی سودآوری آتی و همچنین تعیین ارزش شرکت از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. با این وجود، اغلب شناسایی و تشخیص مدیریت سود به‌ویژه در مواردی که این مقوله با انگیزه‌ی آشکاری انجام نشده است، مشکل و زمان‌بر است و تحقیقات دانشگاهی معیارهای مختلفی را جهت شناسایی مدیریت سود استفاده کرده‌اند (جانسن، امانت و یون، ۲۰۱۲).

زهرا و همکاران (۲۰۰۵) معتقدند که اعمال اختیاری مدیران از طریق مدیریت سود می‌تواند زمینه را برای پنهان کردن ارزش واقعی دارایی‌ها و وضعیت مالی شرکت فراهم نموده و عواقب منفی برای ذینفعان به خصوص سهامداران، کارکنان، جامعه، شهرت مدیران و امنیت شغلی آنان به همراه داشته باشد. مدیریت سود به عنوان فرآیند برداشتن گام‌های آگاهانه در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری برای رساندن سود گزارش شده به سطح سود مورد نظر تعریف شده است، عمل نزدیک کردن سود گزارش شده به سطح سود هدف از طریق دست کاری حسابداری انجام می‌گیرد (ملانظری و کریمی زند، ۱۳۸۶). صورت‌های مالی از نظر قرار گرفتن در چارچوب استانداردهای حسابداری مشکلی نداشته و حسابرسان از این منظر نمی‌توانند بر صورت‌های مالی اشکال بگیرند ولی با توجه به این که سود یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری‌هاست، لذا، آگاهی استفاده‌کنندگان از قابلیت اتکای رقم سود می‌تواند آنها را در انتخاب تصمیمات بهتر یاری کند (استولوی و برتون، ۲۰۰۴).

به نظر می‌رسد که مدیرعامل‌های دارای دانش مالی، توانایی بیشتری برای دستکاری و مدیریت سود داشته باشند ولی ممکن است انگیزه لازم برای انجام این کار را نداشته باشند. پس بررسی تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر مقوله مدیریت سود می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برای استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی شرکت‌ها جهت اتخاذ تصمیمات منطقی به منظور سرمایه‌گذاری برخوردار باشد.

در واقع این پژوهش، به دنبال بررسی این سؤال اساسی است که آیا دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود شرکت (قابل سنجش از طریق ۱. اقلام تعهدی اختیاری و ۲. رویدادهای واقعی) تأثیر دارد یا خیر؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، نوع تأثیر چگونه است؟ نظر به این که تاکنون در ایران پژوهشی در مورد رابطه بین دانش مالی مدیرعامل و مدیریت سود شرکت انجام نشده است، این پژوهش می‌تواند راهگشای این موضوع مهم مالی و حسابداری گردد و مدارک تجربی مربوطه‌ای را در این زمینه نیز ارائه نماید.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مطالعات زیادی به بررسی تأثیر عوامل مختلف بر روی مدیریت سود اعم از رویدادهای واقعی و اقلام تعهدی اختیاری پرداخته‌اند (جیانگ، ژو و هوانگ، ۲۰۱۳). مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری (دستکاری سود در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری) ساده‌تر به نظر می‌رسد و با بهبود استانداردهای حسابداری قابل کنترل می‌باشد. دستکاری رویدادهای واقعی به عنوان مثال (تولید، فروش، سرمایه‌گذاری و

جریان نقد عملیاتی) سخت‌تر است (رویچوداری، ۲۰۰۶ و کوهن، ۲۰۰۸). برای مثال سود گزارش شده می‌تواند به طور موقت از طریق تولید اضافی، حذف هزینه‌های اختیاری و یا به تأخیر انداختن آنها و نیز کاهش قیمت‌ها در پایان سال جهت انتقال فروش سال مالی آتی به سال جاری افزایش یابد (کیم و سان، ۲۰۰۸). اگر چه از مدیریت ارشد به خصوص مدیرعامل انتظار می‌رود وظایف خود را بی‌طرفانه انجام دهد. اما میزان تجربه و نوع دانشی که دارند می‌تواند بر استراتژی شرکت تأثیرپذیر باشد (همبریک و ماسون، ۱۹۸۴). مطالعات مختلفی در زمینه تأثیر دانش و تجربه مدیرعامل در نحوی اداره شرکت انجام شده است به عنوان مثال (بارکر و مویلر، ۲۰۰۲) دریافتند که مدیرعامل‌های دارای تجربه کار در واحد تحقیق و توسعه مقدار بیشتری منابع به بخش تحقیق و توسعه اختصاص می‌دهند. در مهر و موم‌های اخیر شرکت‌های زیادی در دنیا سعی در استخدام مدیرعامل با سطح دانش مالی نموده‌اند (دورفی، ۲۰۰۵ و کولینان و راش، ۲۰۱۱). با توجه به اینکه تجربه و دانش قبلی مدیران تصمیمات شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از آنجایی که مدیران با سطح دانش مالی با استانداردها و تصمیم‌گیرهای مالی و تکنیک‌های مختلف مدیریت سود و همچنین کیفیت افشا بیشتر آشنا هستند، لذا توانایی بیشتری برای دستکاری و مدیریت سود دارند. بدین منظور این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود شرکت (قابل سنجش از طریق ۱. اقلام تعهدی اختیاری و ۲. رویدادهای واقعی) در کنار سایر عوامل مؤثر بر مدیریت سود شرکت از جمله اندازه شرکت، اهرم مالی و رشد شرکت (بر اساس معیار کیوتوبین)، انحراف معیار جریان نقد عملیاتی، انحراف معیار درآمد، انحراف معیار رشد درآمد، کیفیت حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی است. پژوهش‌های خارجی و داخلی محدودی در رابطه با بررسی تأثیر دانش مالی مدیران شرکت‌ها بر میزان مدیریت سود انجام شده است. به هر حال نتایج تعدادی از پژوهش‌های خارجی که تا حدودی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است، به شرح ذیل است:

مطالعات مختلفی در خصوص انگیزهای مدیریت سود انجام شده است به عنوان مثال دی (۱۹۸۸) بیان می‌کند که مدیریت سود معمولاً از استفاده مدیران از مزایای عدم تقارن اطلاعاتی ناشی می‌شود و دو مسئله مهم را مطرح نموده است. اولاً، برای افزایش پاداش مدیران که توسط سرمایه‌گذاران تأمین می‌شود، سود دست کاری می‌شود و ثانیاً، سرمایه‌گذاران بالفعل تمایل دارند که بازار برداشت بهتری از ارزش شرکت داشته باشد. بنابراین، انتقال ثروت بالقوه از سرمایه‌گذاران جدید به سرمایه‌گذاران قدیمی که ایجادکننده یک تقاضای داخلی برای مدیریت سود هستند، به وجود می‌آید. کلاگ و کلاگ (۱۹۹۱) تشویق سرمایه‌گذاران برای خرید سهام شرکت و افزایش ارزش بازار شرکت را دو انگیزه اصلی برای مدیریت سود تعریف می‌کنند. هن و ونگ (۱۹۹۸) اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌های نفتی در دوره افزایش قیمت نفت را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و به این نتیجه رسیدند که این شرکت‌ها به منظور اجتناب از هزینه‌های سیاسی و مقررات گذاری دولت از طریق مدیریت اقلام تعهدی اختیاری، اقدام به مدیریت سود کرده و سود خود را کاهش داده‌اند.

یون و میلر (۲۰۰۲) وجوه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی را به عنوان شاخص اصلی عملکرد واحدهای تجاری در نظر گرفته و به این نتیجه رسیدند که واحدهای تجاری که با عملکرد ضعیفی روبه رو بوده‌اند، انگیزه قوی‌تری برای افزایش سود گزارش شده خود از طریق فرآیند مدیریت سود داشته‌اند و بالعکس، واحدهای تجاری که از عملکرد خوبی برخوردار بوده‌اند، احتمال اتخاذ شیوه‌های افزایش مصنوعی سود توسط مدیریت، کم‌تر بوده است.

در طول چند دهه گذشته مطالعات تجربی زیادی در خصوص این که مدیران با استفاده از تکنیک‌های متفاوت و در جهت اهداف مختلف، دست به مدیریت سود می‌زنند، به انجام رسیده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مطالعات آلتامرو و همکاران (۲۰۰۵) در خصوص روش شناسایی زودتر از موعد درآمدها، توماس و همکاران (۲۰۰۴) در مورد مدیریت سود با استفاده از معاملات با اشخاص وابسته، دی فوند و پارک (۱۹۹۷) در مورد مدیریت سود در جهت افزایش امنیت شغلی، اشاره کرد.

چاریتون و لنوز (۲۰۰۷) معتقدند بجز مواردی که ناشی از تعارض منافع بین مدیران و سهامداران است، ممکن است در سایر موارد نیز انگیزه‌ای برای بد جلوه دادن عملکرد شرکت به وسیله مدیریت سود وجود داشته باشد.

ماتسوناگا و یونگ (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «شواهدی از تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی کیفیت افشا و گزارش‌های مالی شرکت» به این نتیجه رسیدند که مدیرعامل‌های دارای دانش مالی، سود دقیق‌تری را ارائه و کیفیت افشای مالی را بهبود می‌بخشند. در واقع، کیفیت افشای مالی یک شرکت تابعی از میزان دانش و تجربه مدیرعامل آن است.

جیانگ، ژو و هوانگ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر مدیریت سود» در کشور چین به این نتیجه رسیدند که مدیرعامل‌های دارای دانش مالی، مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی کمتری انجام می‌دهند. این در حالی است که بین دانش مالی مدیرعامل و مدیریت سود بر مبنای ارقام تعهدی اختیاری رابطه‌ای وجود ندارد. آن‌ها بر اساس یافته‌های خود، نتیجه گرفتند که مدیرعامل‌های دارای دانش مالی، اطلاعات سود دقیق‌تر و صورت‌های مالی با کیفیت تری را ارائه می‌کنند.

پورحیدری و همتی (۱۳۸۳) طی پژوهشی اثر قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی و طرح‌های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکت‌های بورسی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که به طور میانگین بین نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام و دست کاری سود ارتباط معنی داری وجود ندارد و با افزایش اندازه شرکت، مدیریت شرکت، انگیزه بیش تری جهت افزایش سود در جهت ارائه تصویری بهتر از عملکرد خود به سهامداران دارد.

مشایخی و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی زیر عنوان «نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های تولیدی» به این نتیجه رسیدند که بین اقلام تعهدی اختیاری و وجوه نقد حاصل از عملیات رابطه معنی دار و معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر، مدیریت در هنگام کاهش وجوه نقد حاصل از عملیات

که بیان گر عملکرد ضعیف واحد تجاری است، به منظور جبران این موضوع، اقدام به افزایش سود از طریق افزایش ارقام تعهدی اختیاری می‌کند.

خواجوی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین مدیریت سود و مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» به این نتیجه رسیدند که بین مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت و مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد. همچنین عملکرد مالی شرکت با مدیریت سود رابطه مثبت و با مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت رابطه منفی و معکوس داشته ولی مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت در کنار مدیریت سود، باعث کاهش اثر معکوس مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی یعنی بهبود عملکرد مالی شرکت شده است. در نهایت، تعهدات سازمانی با مدیریت سود و عملکرد مالی شرکت رابطه منفی دارد.

آقایی و ناظمی ارکانی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در پژوهش مذکور برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی از شاخص تخصص حسابرسان در صنعت و برای اندازه گیری مدیریت سود از ارقام تعهدی اختیاری استفاده شد. برای آزمون این رابطه، تعداد ۱۱۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۸، بررسی شدند. در این تحقیق ارقام تعهدی اختیاری در شرکت‌هایی که توسط حسابرسان متخصص صنعت، رسیدگی شده بودند با سایر شرکت‌ها، برای آزمون مدیریت سود مورد مقایسه قرار گرفتند. همچنین از رویکرد سهم بازار به منظور تعیین حسابرسان متخصص صنعت بهره گرفته شد. نتایج این بررسی نشان داد شرکت‌هایی که حسابرسان آن‌ها، متخصص صنعت است دارای سطح مدیریت ارقام تعهدی اختیاری پایین تری می‌باشند.

مرادی و حسینی (۱۳۹۱) معتقدند یکی از مواقع برانگیختگی انگیزه‌های مدیریت سود، بازه زمانی تغییر مدیریت ارشد شرکت‌هاست. آن‌ها در پژوهشی با مطالعه نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ به بررسی مدیریت سود در سال آخر حضور مدیرعامل پرداختند. نتایج نشان داد در سال آخر حضور مدیرعامل، مدیریت سود افزایش یافته وجود ندارد. همچنین با استفاده از تحلیل رگرسیون، هیچ گونه رابطه مثبت معنی داری بین تغییر مدیرعامل و مدیریت سودیافت نشد؛ و این رابطه با تغییر همزمان مدیرعامل با رئیس هیئت مدیره یا حداقل یکی از اعضای غیرموظف هیئت مدیره تشدید نمی‌گردد.

بزرگ اصل و غفارپور (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «مقایسه الگوهای پیش بینی ارقام تعهدی برای تشخیص مدیریت سود» با بررسی ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۸، پنج الگوی رایج تشخیص مدیریت سود شامل الگوهای دی آنجل (۱۹۸۵)، جونز (۱۹۹۱)، تعدیل شده جونز (۱۹۹۵)، سابرامانیا (۱۹۹۶) و گومز و همکاران (۲۰۰۰) را برآورد و مقایسه نمودند. یافته‌ها نشان می‌دهد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای شناسایی مدیریت سود، الگوی تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) توان بیش تری دارد.

پرتوی و آبشیرینی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه‌ی بین مدیریت واقعی سود و مدیریت حسابداری سود از دیدگاه هموارسازی سود» با بررسی داده‌های ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله‌ی زمانی ۱۳۸۷-۱۳۸۰ به این نتیجه رسیدند که مدیران از هر دو روش مدیریت واقعی سود و مدیریت حسابداری سود برآورد شده توسط مدل‌های رویچوداری (۲۰۰۶) و کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) برای هموارسازی سود استفاده می‌کنند و مدیریت واقعی سود و مدیریت حسابداری سود به صورت همزمان انجام می‌شوند.

۳- فرضیه‌های پژوهش

همان گونه که تشریح شد، پژوهش حاضر درصدد شناسایی تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به نظر می‌رسد که مدیرعامل‌های دارای دانش مالی، توانایی بیش‌تری برای دستکاری و مدیریت سود داشته باشند ولی ممکن است انگیزه لازم برای انجام این کار را نداشته باشند و لذا تعیین نوع تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر مدیریت سود (مستقیم یا معکوس بودن)، هدف این پژوهش است. با توجه به این مقدمه، این پژوهش دارای چهار فرضیه اصلی به شرح زیر است:

- ۱) دانش مالی مدیرعامل بر مدیریت سود شرکت بر اساس اقلام تعهدی اختیاری مؤثر است.
- ۲) دانش مالی مدیرعامل بر مدیریت سود شرکت بر اساس رویدادهای واقعی مؤثر است.
- ۳) بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های با مدیر عامل دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۴) بین مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیر عامل دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

۴- متغیرهای پژوهش

۴-۱- متغیر مستقل

متغیرمستقل این پژوهش، دانش مالی مدیرعامل است. جیانگ، ژو و هوانگ (۲۰۱۳) مدیران عاملی که مدرک مالی دارند و یا قبلاً در سمت‌های مدیر مالی، رئیس حسابداری و معاون اداری و مالی بوده‌اند را به عنوان مدیران دارای دانش مالی طبقه بندی نموده است. در پژوهش حاضر مدیران عاملی که دارای مدرک تحصیلی حداقل لیسانس در رشته‌های مالی از قبیل حسابداری، مدیریت و اقتصاد باشند. بعنوان مدیران دارای دانش مالی در نظر گرفته شده است.

دانش مالی مدیرعامل یک متغیر ساختگی (مصنوعی) است؛ به این صورت که اگر مدیرعامل شرکت دارای مدرک حداقل لیسانس در رشته‌های مالی از قبیل حسابداری، مدیریت و اقتصاد باشد، مقدار این متغیر یک و در غیر این صورت صفر فرض می‌شود.

۲-۴- متغیر وابسته

متغیر وابسته مورد استفاده در این پژوهش، میزان مدیریت سود است که به منظور سنجش آن از مدل های اقلام تعهدی اختیاری و رویدادهای واقعی به شرح ذیل استفاده می گردد:

۱. مدیریت سود شرکت بر اساس اقلام تعهدی اختیاری:

در این پژوهش برای اندازه گیری مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی اختیاری، از مدل تعدیل شده جونز (ارائه شده توسط دچو و همکاران، ۱۹۹۵) استفاده خواهد شد. این پژوهشگران (۱۹۹۵) براساس ۴ سری آزمون های انجام گرفته، به این نتیجه رسیدند که روش جونز تعدیل شده، آزمون مناسب و قوی تری برای تعیین مدیریت سود براساس اقلام تعهدی اختیاری میباشد. که از رابطه ۱ بدست می آید (جیانگ، ژو و هوانگ، ۲۰۱۳، ۱۳۷):

$$TAC_{it}/TA_{it-1} = a_0(1/TA_{it-1}) + a_1(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})/TA_{it-1} + a_2(PPE_{it}/TA_{it-1}) + e_{it} \quad (1)$$

TAC_{it} = جمع اقلام تعهدی (سود عملیاتی منهای جریان های نقدی عملیاتی) در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

TA_{it-1} = جمع دارایی ها در سال $t-1$ برای شرکت تحت مطالعه i

ΔREV_{it} = تغییرات درآمد طی سال $t-1$ تا t برای شرکت تحت مطالعه i

ΔREC_{it} = تغییرات حساب ها و اسناد دریافتی طی سال های $t-1$ تا t برای شرکت تحت مطالعه i

PPE_{it} = مبلغ ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

e_{it} = مجموع خطای رگرسیون، فرض بر این است که به صورت مقطعی ناهمبسته و دارای توزیع نرمال با میانگین صفر هستند.

سپس این ضرایب برآوردی حاصل از رگرسیون های شرکت های تحت مطالعه در هر سال، برای برآورد میزان اقلام تعهدی مدیریت شده (اختیاری) برای هر شرکت نمونه از طریق کسر نمودن اقلام تعهدی مدیریت نشده از جمع اقلام تعهدی از طریق رابطه ۲ بدست می آید.

$$DAC_{it} = TAC_{it}/TA_{it-1} - a_0(1/TA_{it-1}) - a_1(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})/TA_{it-1} - a_2(PPE_{it}/TA_{it-1}) \quad (2)$$

DAT_{it} = اجزای مدیریت شده اقلام تعهدی شرکت تحت مطالعه i در سال t که معادل جمع اقلام تعهدی اختیاری است و نشانگر میزان مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی اختیاری است.

۲. مدیریت سود شرکت بر اساس رویدادهای واقعی^۱:

به منظور سنجش مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، از مدل رویچوداری (۲۰۰۶) و از رابطه ۳ استفاده میشود:

$$CFO_{it} / TA_{it-1} = \beta_0 + \beta_1 (1/TA_{it-1}) + \beta_2 (S_{it} / TA_{it-1}) + \beta_3 (\Delta S_{it} / TA_{it-1}) + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

$$COST_{it} / TA_{it-1} = \beta_0 + \beta_1 (1/TA_{it-1}) + \beta_2 (S_{it} / TA_{it-1}) + \beta_3 (\Delta S_{it} / TA_{it-1}) + \beta_4 (\Delta S_{it-1} / TA_{it-1}) + \gamma_{it}$$

$$EXP_{it} / TA_{it-1} = \beta_0 + \beta_1 (1/TA_{it-1}) + \beta_2 (\Delta S_{it-1} / TA_{it-1}) + \delta_{it}$$

$$REM_{it} = (EM - COST_{it}) - (EM - CFO_{it}) - (EM - EXP_{it})$$

CFO_{it} = جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

S_{it} = میزان فروش (درآمد) در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

ΔS_{it} = تغییرات فروش طی سال $t-1$ تا t برای شرکت تحت مطالعه i

ΔS_{it-1} = تغییرات فروش طی سال $t-2$ تا $t-1$ برای شرکت تحت مطالعه i

$COST_{it}$ = بهای تولید (مجموع جبری بهای تمام شده تولید و تغییرات در موجودی کالا) در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

EXP_{it} = هزینه‌های عملیاتی در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

TA_{it-1} = جمع دارایی‌ها در سال $t-1$ برای شرکت تحت مطالعه i

$EM - CFO_{it} = \varepsilon_{it}$ = میزان خطای رگرسیونی مدل اول به عنوان میزان جریان نقد عملیاتی غیرعادی (یکی از اجزای مدیریت سود واقعی) در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

$EM - COST_{it} = \gamma_{it}$ = میزان خطای رگرسیونی مدل دوم به عنوان میزان بهای تولید غیرعادی (یکی دیگر از اجزای مدیریت سود واقعی) در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

$EM - EXP_{it} = \delta_{it}$ = میزان خطای رگرسیونی مدل سوم به عنوان میزان هزینه‌های عملیاتی غیرعادی

(یکی دیگر از اجزای مدیریت سود واقعی) در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

REM_{it} = میزان مدیریت سود واقعی در سال t برای شرکت تحت مطالعه i .

۳-۴- متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی استفاده شده در این پژوهش به پیروی از جیانگ، ژو و هوانگ (۲۰۱۳) به عنوان سایر عوامل مؤثر بر مدیریت سود عبارتند از:

(۱) اندازه شرکت: این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها در سال برای شرکت تحت مطالعه محاسبه می‌شود.

(۲) اهرم مالی: از طریق تقسیم کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها در سال برای شرکت تحت مطالعه محاسبه می‌شود.

(۳) سودآوری: به منظور سنجش سودآوری از بازده دارایی‌ها (تقسیم سود خالص بر کل دارایی‌ها) استفاده می‌گردد.

(۴) رشد شرکت: به منظور سنجش رشد شرکت از معیار کیوتوبین استفاده می‌گردد و جهت محاسبه این متغیر از رابطه ۴ استفاده می‌شود:

$$TOBINQ_{it} = (TL_{it} + MVE_{it}) / TA_{it} \quad (۴)$$

$TOBINQ_{it}$ = معیار کیوتوبین در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

TL_{it} = میزان کل بدهی‌ها در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

MVE_{it} = ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در سال t برای شرکت تحت مطالعه i ، این متغیر از طریق حاصل ضرب تعداد سهام در قیمت هر سهم در پایان هر سال بدست می‌آید.

TA_{it} = میزان کل دارایی‌ها در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

(۵) انحراف معیار جریان نقد عملیاتی: این متغیر از طریق انحراف معیار جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی در سال جاری و دو سال قبل از آن بدست می‌آید. لازم به ذکر است که به منظور استانداردسازی این متغیر، انحراف معیار بدست آمده بر کل دارایی‌های سال جاری تقسیم می‌گردد.

(۶) انحراف معیار درآمد: این متغیر هم از طریق انحراف معیار فروش شرکت در سال جاری و دو سال قبل از آن بدست می‌آید. به منظور استانداردسازی این متغیر هم، انحراف معیار بدست آمده بر کل دارایی‌های سال جاری تقسیم می‌گردد.

(۷) انحراف معیار رشد درآمد: این متغیر هم از طریق انحراف معیار رشد فروش شرکت در سال جاری و دو سال قبل از آن بدست می‌آید. لازم به ذکر است که رشد فروش شرکت در هر سال بوسیله رابطه ۵ محاسبه می‌گردد:

$$GROWTH_{it} = (S_{it} - S_{it-1}) / S_{it-1} \quad (۵)$$

$GROWTH_{it}$ = میزان رشد فروش در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

S_{it} = کل فروش در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

S_{it-1} = کل فروش در سال $t-1$ برای شرکت تحت مطالعه i

(۸) کیفیت حسابرسی: این متغیر، یک متغیر مجازی (دو وجهی) است که برابر یک فرض می‌شود اگر حسابرسان شرکت، سازمان حسابرسی باشد و در غیر این صورت صفر لحاظ می‌گردد.

۹) نوع گزارش حسابرِس: این متغیر نیز، یک متغیر مجازی (دو وجهی) است که برابر یک فرض می شود اگر گزارش حسابرِس شرکت، مقبول باشد و در غیر این صورت صفر لحاظ می گردد.

۵- جامعه و نمونه آماری

جامعه مورد مطالعه این پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۱ (دوره ۸ ساله) است. نمونه مورد مطالعه این پژوهش از کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۱ (دوره ۸ ساله) تشکیل می شود که شرایط زیر را داشته باشند:

- ۱) تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۲) شرکت ها نایستی سال مالی خود را در طی دوره های مورد نظر تغییر داده باشند.
- ۳) اطلاعات مالی مورد نیاز برای انجام این پژوهش را در دوره زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۱ به طور کامل ارائه کرده باشد.
- ۴) جزء شرکت های سرمایه گذاری، بانک ها و واسطه گری مالی نباشند.
- ۵) با توجه به شرایط مذکور ۱۳۰ شرکت به عنوان نمونه انتخاب و بررسی شده است.

۶- روش پژوهش و گردآوری داده ها

روش پژوهش در این تحقیق از نوع «علی» یا «پس رویدادی» است. این نوع روش پژوهش برای انجام پژوهش هایی به کار می رود که در صدد بررسی علت یا علل روابط معینی است که در گذشته روی داده و به اتمام رسیده است. این نوع روش پژوهش، از آن جهت که در صدد دست یابی به رابطه علی و یا علت و معلولی بین عوامل پژوهش می باشد، از اعتبار نسبتاً زیادی برخوردار است. در این نوع پژوهش ها، امکان دست کاری متغیرها توسط پژوهش گر و یا ایجاد شرایط «مصنوعی» و یا آزمایشگاهی توسط وی، بنا به علل متعددی امکان پذیر نمی باشد (سید عباس زاده، ۱۳۸۰، ۱۷۱). این پژوهش از لحاظ روش اجرا در زمره پژوهش های همبستگی قرار دارد. همچنین بر اساس هدف، پژوهش مذکور کاربردی است. فرضیه های پژوهش بر اساس داده های تلفیقی/ترکیبی آزمون و تحلیل های آماری به کمک نرم افزار 6 EViews انجام شده است.

۷- روش تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها

در این پژوهش، به منظور آزمون فرضیه اول و دوم پژوهش، ابتدا مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی غیرعادی و طبق مدل تعدیل شده جونز (ارائه شده توسط دچو و همکاران، ۱۹۹۵) و همچنین مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی (ارائه شده توسط رویچوداری، ۲۰۰۶)، تعیین و سپس به منظور آزمون فرضیه ها از تحلیل های رگرسیونی تلفیقی/ترکیبی به صورت زیر استفاده شده است:

(۶)

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 CEOFE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 TOBINQ_{it} + \beta_6 STDCASH_{it} + \beta_7 STDSALE_{it} + \beta_8 STDGROWTH_{it} + \beta_9 AQ_{it} + \beta_{10} AO_{it} + \varepsilon_{it}$$

EM_{it} = مدیریت سد در سال t برای شرکت تحت مطالعه i ، که برای سنجش آن از دو مدل اقلام تعهدی اختیاری تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) و مدل مدیریت سود واقعی رویچوداری (۲۰۰۶) استفاده می‌گردد.

$CEOFE_{it}$ = دانش مالی مدیر عامل در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

$SIZE_{it}$ = اندازه در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

LEV_{it} = اهرم مالی در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

ROA_{it} = میزان سودآوری در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

$TOBINQ_{it}$ = میزان رشد در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

$STDCASH_{it}$ = انحراف معیار جریان نقد عملیاتی در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

$STDSALE_{it}$ = انحراف معیار درآمد در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

$STDGROWTH_{it}$ = انحراف معیار رشد درآمد در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

AQ_{it} = کیفیت حسابرسی در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

AO_{it} = نوع گزارش حسابرس در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

ε_{it} = خطای باقیمانده (پسماند) در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

قبل از تخمین مدل رگرسیونی در حالت ترکیبی و تلفیقی جهت آزمون فرضیه های پژوهش، به انتخاب الگوی مناسب برای مدل رگرسیونی پرداخته شد. ابتدا با استفاده از آزمون F لیمر به انتخاب مدل داده‌های تلفیقی در برابر مدل داده‌های ترکیبی پرداخته می‌شود. در صورتی که مقدار احتمال آماره F لیمر کم‌تر از سطح معنی داری ۰.۵٪ باشد، استفاده از روش داده‌های تلفیقی منتهی است. در غیر این صورت اگر سطح معنی داری از ۰.۵٪ بیش تر باشد، استفاده از روش داده‌های تلفیقی مناسب است. اگر مدل داده‌های تلفیقی در برابر داده‌های ترکیبی انتخاب نشود، به انجام آزمون هاسمن به منظور انتخاب الگوی اثرات ثابت ترکیبی در برابر الگوی اثرات تصادفی ترکیبی پرداخته می‌شود. در صورتی که احتمال آماره هاسمن کم‌تر از سطح معنی داری ۰.۵٪ باشد؛ دلیل کافی برای رد الگوی اثرات ثابت نداریم و برای آزمون فرضیه پژوهش باید از الگوی اثرات ثابت استفاده کنیم. در غیر این صورت اگر سطح معنی داری از ۰.۵٪ بیش تر باشد، استفاده از الگوی اثرات تصادفی مناسب است.

همچنین جهت آزمون فرضیه سوم و چهارم پژوهش، به ترتیب از آزمون برابری میانگین (آماره t) مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی غیرعادی و مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیرعامل‌های دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها استفاده گردید.

در همه تکنیک‌های آماری از نرم افزارهای EXCEL و EViews استفاده شد. جهت تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش در نرم افزار Eviews از آماره جارک-برا استفاده می شود، به این صورت که اگر احتمال آماره مذکور برای متغیری بیش تر از ۵٪ باشد، توزیع آن متغیر نرمال است.

۸- تحلیل داده های پژوهش

۸-۱- بررسی پایایی متغیرهای پژوهش

نتایج پایایی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است. بر اساس آزمون های ریشه واحد از نوع آزمون لوین، لین و چو چون مقدار P-Value کم تر از ۵٪ بوده است، کل متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی پژوهش طی دوره پژوهش در سطح پایا بوده اند. پایایی بدین معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال های مختلف ثابت بوده است. لازم به ذکر است که انجام آزمون پایایی برای متغیرهای مجازی (دو وجهی) دانش مالی مدیرعامل، کیفیت حسابرسی و نوع گزارش حسابرس نامفهوم است و لذا از ارائه آن خودداری شده است.

جدول ۱: آزمون پایایی (ایستایی) متغیرها در طی دوره پژوهش

متغیرها	نوع آزمون	مقدار آماره لوین، لین و چو	احتمال آماره لوین، لین و چو
مدیریت سود اختیاری DAC		-۲۶/۱۷	۰/۰۰۰۰
مدیریت سود واقعی REM		-۱۹/۲۱	۰/۰۰۰۰
دانش مالی مدیر عامل CEOFE		---	---
اندازه شرکت SIZE		-۹/۱۲	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی LEV		-۱۹۷/۵۶	۰/۰۰۰۰
سودآوری ROA		-۲۸/۸۹	۰/۰۰۰۰
رشد شرکت TOBINQ		-۴۰/۹۴	۰/۰۰۰۰
انحراف معیار جریان نقد عملیاتی STDCASH		-۲۴/۳۷	۰/۰۰۰۰
انحراف معیار درآمد STDSALE		-۷۳/۶۲	۰/۰۰۰۰
انحراف معیار رشد درآمد STDGROWTH		-۱۳/۵۹	۰/۰۰۰۰
کیفیت حسابرسی AQ		---	---
نوع گزارش حسابرس AO		---	---

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۸-۲- بررسی آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

با مقایسه ضریب تغییرات (حاصل تقسیم انحراف معیار بر میانگین) متغیرهای وابسته (معیارهای مختلف مدیریت سود) طی دوره پژوهش، به این نتیجه می‌رسیم که در بین متغیرهای مذکور، مدیریت سود اختیاری در مقایسه با مدیریت سود واقعی دارای ضریب تغییرات و پراکندگی بیش‌تر و در نتیجه ثبات و پایداری کم‌تری بوده است. این امر نشان می‌دهد که شرکت‌های مورد بررسی از نظر مدیریت سود واقعی، دارای ثبات نسبی بیش‌تری در مقایسه با مدیریت سود اختیاری بوده‌اند.

با مقایسه ضریب تغییرات متغیرهای وابسته (معیارهای مختلف مدیریت سود) و متغیر مستقل دانش مالی مدیر عامل طی دوره پژوهش، به این نتیجه می‌رسیم که معیارهای مختلف مدیریت سود در مقایسه با دانش مالی مدیر عامل، دارای ضریب تغییرات و پراکندگی بیش‌تر و در نتیجه ثبات و پایداری کم‌تری طی دوره پژوهش بوده‌اند. این موضوع حاکی از آن است که مدیریت سود بر اساس معیارهای مختلف بایستی علاوه بر دانش مالی مدیر عامل، تحت تأثیر عوامل دیگری نیز باشد که در این پژوهش از تعدادی از آن‌ها تحت عنوان متغیر کنترلی نام برده شده است. با مقایسه ضریب تغییرات متغیرهای کنترلی طی دوره پژوهش، به این نتیجه می‌رسیم که در بین متغیرهای مذکور، متغیر اندازه شرکت دارای کم‌ترین ضریب تغییرات و پراکندگی و در نتیجه بیش‌ترین ثبات و پایداری و در مقابل، متغیر کیفیت حسابرسی دارای بیش‌ترین ضریب تغییرات و پراکندگی و در نتیجه کم‌ترین ثبات و پایداری طی دوره پژوهش بوده است.

دیگر نتایج آمار توصیفی حاکی از آن است که شرکت‌های مورد بررسی به طور متوسط از نسبت اهرم مالی ۶۵٪ و میانگین سودآوری ۱۰٪ بر اساس بازده دارایی‌ها برخوردار بوده‌اند. دیگر نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که در ۴۱٪ سال-شرکت‌های مورد بررسی یعنی ۲۹۹ سال-شرکت (۷۳۸=۲۹۹*۴۱٪) طی دوره پژوهش، مدیر عامل از دانش مالی برخوردار بوده است. ۲۹٪ سال-شرکت‌های مورد بررسی یعنی ۳۰۲ سال-شرکت (۳۰۲=۱۰۴*۲۹٪) طی دوره پژوهش توسط سازمان حسابرسی، مورد حسابرسی و رسیدگی قرار گرفته‌اند. همچنین در ۳۸٪ سال-شرکت‌های مورد بررسی یعنی ۳۹۵ سال-شرکت (۳۹۵=۱۰۴*۳۸٪)، گزارش حسابرسی مقبول بوده است. نتایج آماره جاک برا حاکی از نرمال بودن متغیرهای وابسته، مدیریت سود اختیاری و مدیریت سود واقعی طی دوره پژوهش است. نرمال بودن متغیرهای وابسته یکی از پیش‌فرض‌های مدل‌های رگرسیونی حداقل مربعات معمولی است.

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	معیارها	تعداد	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	ضریب تغییرات	آماره چارک برا	احتمال چارک برا
مدیریت سود اختیاری DAC		۱۰۴۰	-۰/۰۱	-۰/۰۰۳	۰/۶۵	-۰/۷۲	۰/۰۸	۸	۳/۴۰۳	۰/۱۸۲
مدیریت سود واقعی REM		۱۰۴۰	-۰/۰۴	-۰/۰۲	۱/۵۵	-۱/۱۱	۰/۲۷	۶/۷۵	۲/۵۶۳	۰/۲۷۸
دانش مالی مدیر عامل CEOFE		۷۳۸	۰/۴۱	۰	۱	۰	۰/۴۹	۱/۲	۱۲۳	۰/۰۰۰
اندازه شرکت SIZE		۱۰۴۰	۱۳/۳۳	۱۳/۱۵	۱۹/۶۲	۹/۸۰	۱/۴۴	۰/۱۱	۱۳۶	۰/۰۰۰
اهرم مالی LEV		۱۰۴۰	۰/۶۵	۰/۶۶	۰/۹۴	۰/۱۰	۰/۱۹	۰/۲۹	۴۲/۷	۰/۰۰۰
سودآوری ROA		۱۰۴۰	۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۷۳	-۰/۴۹	۰/۱۳	۱/۳	۲۸۳	۰/۰۰۰
رشد شرکت TOBINQ		۱۰۴۰	۱/۳۵	۱/۱۶	۷/۷۴	۰/۴۹	۰/۶۴	۰/۴۷	۲۶۵۴	۰/۰۰۰
انحراف معیار جریان نقد عملیاتی STDCASH		۱۰۴۰	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۵۵	۰/۰۰۱	۰/۰۶	۰/۷۵	۴۳۸۲	۰/۰۰۰
انحراف معیار درآمد STDSALE		۱۰۴۰	۰/۱۴	۰/۱۱	۰/۸۵	۰/۰۰۲	۰/۱۲	۰/۸۶	۳۳۰۵	۰/۰۰۰
انحراف معیار رشد درآمد STDGROWTH		۱۰۴۰	۰/۲۵	۰/۱۸	۱/۲۸	۰/۰۰۱	۰/۲۳	۰/۹۲	۲۴۸۹	۰/۰۰۰
کیفیت حسابرسی AQ		۱۰۴۰	۰/۲۹	۰	۱	۰	۰/۴۵	۱/۵۵	۲۰۴	۰/۰۰۰
نوع گزارش حسابرسی AO		۱۰۴۰	۰/۳۸	۰	۱	۰	۰/۴۸	۱/۲۶	۱۷۶	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۸-۳- آزمون فرضیه اول

دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود شرکت بر اساس اقلام تعهدی اختیاری مؤثر است. قبل از آزمون فرضیه فوق، به انتخاب الگوی مناسب برای مدل رگرسیونی پرداخته شد. نتیجه آزمون F لیمر در جدول ۳ ارائه شده است. مقدار احتمال آماره F لیمر در جدول ۳ کم‌تر از سطح معنی‌داری ۵٪ بوده و بنابراین، برای آزمون فرضیه اول پژوهش استفاده از روش داده‌های تلفیقی متفی است.

جدول ۳. انتخاب داده‌های تلفیقی در برابر داده‌های ترکیبی

$DAC_{it} = \beta_0 + \beta_1 CEOFE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 TOBINQ_{it} + \beta_6 STDCASH_{it} + \beta_7 STDSALE_{it} + \beta_8 STDGROWTH_{it} + \beta_9 AQ_{it} + \beta_{10} AO_{it} + \varepsilon_{it}$			
احتمال آماره آزمون	درجه آزادی	مقدار آماره آزمون	نوع آزمون
۰/۰۰۰۰	(۶۲۳ و ۱۰۴)	۲/۱۹	F لیمر

منبع: یافته‌های پژوهشگر

به دلیل عدم انتخاب مدل داده‌های تلفیقی در برابر داده‌های ترکیبی به انجام آزمون هاسمن به منظور انتخاب الگوی اثرات ثابت ترکیبی در برابر الگوی اثرات تصادفی ترکیبی پرداخته شده است. نتیجه آزمون

هاسمن در جدول ۴ ارائه شده است. مقدار احتمال آماره هاسمن در جدول ۴ کم‌تر از سطح معنی داری ۵٪ می‌باشد؛ لذا، دلیل کافی برای رد الگوی اثرات ثابت وجود ندارد و برای آزمون فرضیه اول پژوهش باید از الگوی اثرات ثابت استفاده کرد.

جدول ۴. انتخاب الگوی اثرات ثابت در برابر الگوی اثرات تصادفی

$DAC_{it} = \beta_0 + \beta_1 CEOFE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 TOBINQ_{it} + \beta_6 STDCASH_{it} + \beta_7 STDSALE_{it} + \beta_8 STDGROWTH_{it} + \beta_9 AQ_{it} + \beta_{10} AO_{it} + \varepsilon_{it}$			
احتمال آماره آزمون	درجه آزادی خی دو	مقدار آماره خی دو	نوع آزمون
۰/۰۰۰۵	۱۰	۳۱/۶۱	هاسمن

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مدل رگرسیونی ترکیبی اثرات ثابت تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری در سطح کل شرکت‌ها در جدول ۵ نشان می‌دهد که تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری، منفی (۰/۰۱-) ولی با توجه به احتمال آماره t (۰/۷۸۵۳) معنی دار نمی‌باشد. این امر نشان می‌دهد که دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری تأثیر ندارد.

نتایج همچنین نشان می‌دهد که تأثیر اندازه شرکت و سودآوری بر میزان مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری، مثبت و معنی دار و تأثیر انحراف معیار جریان نقد عملیاتی بر مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری، منفی و معنی دار می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ‌تر و دارای سودآوری بیش‌تر، به طور قابل ملاحظه‌ای اقدام به مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری طی دوره پژوهش نموده‌اند. این در حالی است که در شرکت‌های دارای ثبات پایین جریان نقد عملیاتی (میزان بالای انحراف معیار جریان نقد عملیاتی)، میزان مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری، کم‌تر بوده است. نتایج مربوط به آماره F نیز نشان می‌دهد که مدل در حالت کلی معنی دار بوده و با توجه به آماره دوربین-واتسون، فاقد مشکل خودهمبستگی است. علاوه بر آن، نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که در کل دوره پژوهش حدود ۲۷/۳٪ از تغییرات مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری در سطح کل شرکت‌ها تحت تأثیر دانش مالی مدیر عامل و همچنین متغیرهای کنترلی به ویژه اندازه شرکت، سودآوری و انحراف معیار جریان نقد عملیاتی بوده است.

مقادیر باقی‌مانده‌های رگرسیونی مدل مذکور دارای آماره جاک‌برا برابر با ۲/۱۱۲ و احتمال آماره جاک‌برا برابر با ۰/۳۴۸ بوده که حاکی از نرمال بودن باقی‌مانده‌های رگرسیونی است. با توجه به معنی دار نبودن تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری در سطح کل شرکت‌ها، فرضیه اول پژوهش مورد تأیید واقع نمی‌شود.

جدول ۵. تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری

آماره‌ها متغیرها	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت	-۰/۷۱	-۳/۹۸	۰/۰۰۰۱
دانش مالی مدیر عامل CEOFE	-۰/۰۱	-۰/۲۷	۰/۷۸۵۳
اندازه شرکت SIZE	۰/۰۵	۴/۰۴	۰/۰۰۰۱
اهرم مالی LEV	۰/۰۲	۰/۳۶	۰/۷۱۷۱
سودآوری ROA	۰/۶۵	۸/۴۸	۰/۰۰۰۰
رشد شرکت TOBINQ	۰/۰۰۴	۰/۳۳	۰/۷۴۳۲
انحراف معیار جریان نقد عملیاتی STDCASH	-۰/۷۴	-۷/۴۱	۰/۰۰۰۰
انحراف معیار درآمد STDSALE	-۰/۰۴	-۰/۶۰	۰/۵۴۹۳
انحراف معیار رشد درآمد STDGROWTH	۰/۰۲	۰/۵۳	۰/۵۹۴۴
کیفیت حسابرسی AQ	۰/۰۰۲	۰/۰۸	۰/۹۳۹۷
نوع گزارش حسابرسی AO	۰/۰۰۳	۰/۲۳	۰/۸۱۸۷
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	احتمال آماره F	آماره دوربین-واتسون
۰/۳۸۶	۰/۲۷۳	۰/۰۰۰۰	۲/۰۹۷

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۸-۴-آزمون فرضیه دوم

دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود شرکت بر اساس رویدادهای واقعی مؤثر است. بر اساس نتایج آزمون F لیمر و هاسمن، برای آزمون فرضیه دوم پژوهش نیز استفاده از الگوی اثرات ثابت مناسب است.

مدل رگرسیونی ترکیبی اثرات ثابت تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی در سطح کل شرکت‌ها در جدول ۶ نشان می‌دهد که تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، منفی (۰/۰۱-) ولی با توجه به احتمال آماره t (۰/۸۴۱۴) معنی‌دار نمی‌باشد. این امر نشان می‌دهد که دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی نیز تأثیر ندارد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که تأثیر اندازه شرکت و اهرم مالی بر میزان مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، مثبت و معنی‌دار و تأثیر سودآوری، انحراف معیار جریان نقد عملیاتی و انحراف معیار رشد درآمد بر مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، منفی و معنی‌دار می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ‌تر و دارای میزان بالای بدهی در ساختار سرمایه، به طور قابل ملاحظه‌ای اقدام به مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی طی دوره پژوهش نموده‌اند. این در حالی است که در شرکت‌های سودآور و

دارای ثبات پایین جریان نقد عملیاتی و رشد درآمد (میزان بالای انحراف معیار جریان نقد عملیاتی و انحراف معیار رشد درآمد)، میزان مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، کم‌تر بوده است. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که در کل دوره پژوهش حدود ۵۵/۴٪ از تغییرات مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی در سطح کل شرکت‌ها تحت تأثیر دانش مالی مدیر عامل و همچنین متغیرهای کنترلی به ویژه اندازه شرکت، سودآوری، اهرم مالی، انحراف معیار جریان نقد عملیاتی و انحراف معیار رشد درآمد بوده است. مقادیر باقی‌مانده‌های رگرسیونی مدل مذکور دارای آماره جاک‌برا برابر با ۱/۸۳۴ و احتمال آماره جاک‌برا برابر با ۰/۴۰۰ بوده که حاکی از نرمال بودن باقی‌مانده‌های رگرسیونی است. با توجه به معنی‌دار نبودن تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی در سطح کل شرکت‌ها، فرضیه دوم پژوهش نیز مورد تأیید واقع نمی‌شود.

جدول ۶- تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی

متغیرها	آماره‌ها	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت		-۱/۳۵	-۵/۲۵	۰/۰۰۰۰
دانش مالی مدیر عامل CEOFE		-۰/۰۱	-۰/۲۰	۰/۸۴۱۴
اندازه شرکت SIZE		۰/۰۹	۴/۸۷	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی LEV		۰/۳۶	۴/۱۱	۰/۰۰۰۰
سودآوری ROA		-۰/۲۲	-۱/۹۹	۰/۰۴۷۴
رشد شرکت TOBINQ		-۰/۰۲	-۱/۲۹	۰/۱۹۶۰
انحراف معیار جریان نقد عملیاتی STDCASH		-۰/۹۸	-۶/۸۱	۰/۰۰۰۰
انحراف معیار درآمد STDSALE		۰/۱۱	۱/۲۳	۰/۲۱۸۵
انحراف معیار رشد درآمد STDGROWTH		-۰/۱۲	-۲/۵۵	۰/۰۱۱۰
کیفیت حسابرسی AQ		۰/۰۰۴	۰/۱۳	۰/۸۹۸۶
نوع گزارش حسابرسی AO		۰/۰۳	۱/۵۹	۰/۱۱۱۵
ضریب تعیین		ضریب تعیین تعدیل شده	احتمال آماره F	آماره دوربین - واتسون
۰/۶۲۳		۰/۵۵۴	۰/۰۰۰۰	۲/۰۶۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۸-۵- آزمون فرضیه سوم

بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های با مدیر عامل دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

به منظور آزمون فرضیه سوم پژوهش از آزمون برابری میانگین مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی غیرعادی (اختیاری) در شرکت‌های با مدیر عامل‌های دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها از طریق آزمون t^2 استفاده شده است.

نتیجه آزمون برابری میانگین مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های با مدیر عامل‌های دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها در جدول ۷ ارائه شده است. نتیجه آزمون لون با توجه به آماره F و سطح معنی‌داری نشان می‌دهد که واریانس مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های با مدیر عامل‌های دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها با هم برابر می‌باشد (تأیید فرض صفر آزمون لون) و لذا در این حالت برای مقایسه میانگین دو گروه مذکور باید از مقدار t مستقل برای واریانس‌های برابر استفاده کرد. مقدار سطح معنی‌داری آماره t برای واریانس‌های برابر، دلالت بر عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین میانگین مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های با مدیر عامل‌های دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها دارد.

با توجه به عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین میانگین مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های با مدیر عامل‌های دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها، فرضیه سوم پژوهش هم مورد تأیید واقع نمی‌شود.

جدول ۷. آزمون برابری میانگین مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی غیرعادی

نتیجه	P-value	مقدار	آزمون لون			میانگین		متغیر
			P-value	مقدار	درجه آزادی	سایر شرکت‌ها DAC2	شرکت‌های با مدیر عامل‌های دارای دانش مالی DAC1	
عدم رد H_0	۰/۵۰۹۶	-۰/۶۶	۰/۶۴۰۷	۰/۲۲	(۱ و ۷۳۶)	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰۳	میانگین مدیریت سود

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۸-۶- آزمون فرضیه چهارم

بین مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیر عامل دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

به منظور آزمون فرضیه چهارم پژوهش هم از آزمون برابری میانگین مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیر عامل‌های دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها از طریق آزمون t استفاده شده است.

نتیجه آزمون برابری میانگین مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیر عامل‌های دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها در جدول ۸ ارائه شده است. نتیجه مربوط به آزمون لون با توجه به آماره F و سطح معنی‌داری نشان می‌دهد که واریانس مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیر عامل‌های دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها با هم برابر می‌باشد (تأیید فرض صفر آزمون لون) و لذا در این حالت نیز برای مقایسه میانگین دو گروه مذکور باید از مقدار t مستقل برای واریانس‌های برابر استفاده کرد. مقدار سطح معنی‌داری آماره t برای واریانس‌های برابر، دلالت بر عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین میانگین مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیر عامل‌های دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها دارد.

با توجه به عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین میانگین مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیر عامل‌های دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها، فرضیه چهارم پژوهش هم مورد تأیید واقع نمی‌شود.

جدول ۸. آزمون برابری میانگین مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی

نتیجه	P-value	مقدار	آزمون لون			میانگین		متغیر
			P-value	مقدار	درجه آزادی	سایر شرکتها REM2	شرکت‌های با مدیر عامل‌های دارای دانش مالی REM1	
عدم رد H_0	۰/۲۴۳۵	۱/۱۷	۰/۱۹۳۶	۱/۶۹	(۱ و ۷۳۶)	-۰/۰۶	-۰/۰۳	میانگین مدیریت سود

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۹- بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر روی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است.

نتایج نشان می‌دهد که دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود تأثیر ندارد و تفاوت معنی‌داری بین میانگین مدیریت سود در شرکت‌های با مدیر عامل‌های دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها وجود ندارد. نتایج همچنین حاکی از تأثیر مثبت اندازه شرکت و سودآوری بر میزان مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری و تأثیر منفی انحراف معیار جریان نقد عملیاتی بر مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری

است. تأثیر اندازه شرکت و اهرم مالی بر میزان مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، مثبت و معنی‌دار و تأثیر سودآوری، انحراف معیار جریان نقد عملیاتی و انحراف معیار رشد درآمد بر مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، منفی و معنی‌دار بوده است.

در رابطه با عدم تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی اختیاری، نتایج موافق با نتایج پژوهش قبلی جیانگ، ژو و هوانگ (۲۰۱۳) و مغایر با نتایج پژوهش قبلی ماتسونگا و یونگ (۲۰۰۸) است. در مورد عدم تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، نتایج مغایر با نتایج پژوهش‌های قبلی ماتسونگا و یونگ (۲۰۰۸) و جیانگ، ژو و هوانگ (۲۰۱۳) است.

نتایج در رابطه با تأثیر مثبت اندازه شرکت بر میزان مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی اختیاری، موافق با نتایج پژوهش قبلی پورحیدری و همتی (۱۳۸۳) است. نتایج در رابطه با تأثیر مثبت سودآوری بر میزان مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی اختیاری، مغایر با نتایج پژوهش قبلی یون و میلر (۲۰۰۲) است. نتایج در رابطه با تأثیر منفی انحراف معیار جریان نقد عملیاتی بر مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی اختیاری، مغایر با نتایج پژوهش قبلی جیانگ، ژو و هوانگ (۲۰۱۳) است.

نتایج در رابطه با تأثیر مثبت اندازه شرکت بر میزان مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، موافق با نتایج پژوهش قبلی پورحیدری و همتی (۱۳۸۳) است. نتایج در مورد تأثیر مثبت اهرم مالی بر میزان مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، مغایر با نتایج پژوهش قبلی پورحیدری و همتی (۱۳۸۳) است. نتایج در رابطه با تأثیر منفی سودآوری بر مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، مغایر با نتایج پژوهش قبلی جیانگ، ژو و هوانگ (۲۰۱۳) است. نتایج در رابطه با تأثیر منفی انحراف معیار جریان نقد عملیاتی و انحراف معیار رشد بر مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، مغایر با نتایج پژوهش قبلی جیانگ، ژو و هوانگ (۲۰۱۳) است.

عدم تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود بیانگر این موضوع است که مدیریت سود مستقل از مدرک تحصیلی مدیر عامل است. به عبارت دیگر؛ مدیران شرکت‌های بورسی به منظور تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاران برای خرید سهام شرکت و افزایش ارزش بازار شرکت از دید کلاگ و کلاگ (۱۹۹۱) و همچنین جهت اجتناب از هزینه‌های سیاسی و مقررات‌گذاری دولتناز نظر هن و ونگ (۱۹۹۸) صرف‌نظر از دانش تحصیلی خود، اقدام به مدیریت سود کرده و یا از انجام آن خودداری می‌کنند. از سوی دیگر، معمولاً مدیرعامل شرکت‌ها در راستای تصمیمات و دستورات هیئت مدیره انجام وظیفه نموده و اختیارات لازم و کافی جهت دستکاری و مدیریت سود و یا انجام تصمیمی خارج از دستورات هیئت مدیره ندارند. همچنین معمولاً در زمان انتخاب مدیر عامل شرکت‌ها به مدرک تحصیلی فرد توجه نمی‌شود و صرف داشتن ارتباطات و در مواردی خاص خوش نام بودن فرد، ملاک انتخاب می‌باشد. موارد ذکر شده فوق می‌تواند عدم تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود را توجیه نماید.

باتوجه به تأثیر مستقیم سودآوری بر میزان مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی اختیاری، از یک سو و همچنین تأثیر معکوس سودآوری بر میزان مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، از سوی دیگر؛ به نظر

می‌رسد که شرکت‌های سودآور هم، علی‌رغم کاهش مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، اقدام به افزایش مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری می‌نمایند. بنابراین؛ پیشنهاد می‌شود که سهامداران بالفعل و بالقوه شرکت‌های بورسی در اتخاذ تصمیمات خود نسبت به خرید، نگهداری و فروش سهام شرکت‌ها از طریق ارزیابی عملکرد شرکت‌های مذکور، تلاش‌های بیش‌تری را در جهت ارزیابی کیفیت سودآوری شرکت‌ها انجام دهند. همچنین تأثیر مستقیم اهرم مالی بر میزان مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی، حاکی از این است که شرکت‌های اهرمی‌تر، بیش‌تر از طریق دستکاری رویدادهای واقعی اقدام به مدیریت سود می‌نمایند. بنابراین؛ پیشنهاد می‌شود که وام‌دهندگان شرکت‌های بورسی، به این موضوع توجه نموده و جهت اطمینان از بازیافت اصل و فرع سرمایه خود در شرکت‌های بورسی، به بررسی میزان مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی توجه نمایند.

عدم تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود بر اساس رویدادهای واقعی و اقلام تعهدی اختیاری، نشان می‌دهد که بر خلاف انتظار، دانش مالی مدیر عامل یک مکانیزم فعال در میزان مدیریت سود شرکت‌های بورسی نمی‌باشد. بنابراین؛ پیشنهاد می‌شود که استفاده‌کنندگان در مورد ارزیابی کیفیت سود شرکت‌های بورسی، نگران مدرک تحصیلی مدیر عامل‌های شرکت‌ها نبوده و خود اقدامات مؤثری جهت ارزیابی کیفیت سود در انواع شرکت‌ها بعمل آورند.

با توجه با اینکه تجربه و دانش مالی بر تصمیمات مدیرعامل موثر است و میتواند عملکرد شرکت را تحت تاثیر قرار دهد و از آنجایی که بررسی همه این عوامل در این تحقیق امکان پذیر نبود لذا پیشنهاد میگردد در تحقیقات آتی علاوه بر دانش مالی سایر ویژگیهای شخصیتی مدیران از قبیل اعتماد به نفس بیش از حد مدیریتی و سبک های مدیریتی بر میزان مدیریت سود بررسی شود. همچنین به نظر میرسد شرکتهای دارای مدیران با دانش و تجربه مالی بعلت آشنایی با استانداردهای حسابداری نسبت به سایر شرکتهای صورتهای مالی با کیفیت تری داشته باشند بنابراین بررسی این موضوع میتواند مفید باشد.

فهرست منابع

- ۱) آقای، محمد علی و مهدی ناظمی اردکانی، (۱۳۹۱)، "تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری"، دانش حسابرسی، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۷-۴.
- ۲) بزرگ اصل، موسی و فرشید غفارپور، (۱۳۹۱)، "مقایسه الگوهای پیش‌بینی اقلام تعهدی برای تشخیص مدیریت سود"، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، سال ۱، شماره ۱، صص ۵۰-۲۷.
- ۳) پرتوی، ناصر و الهام آبشیرینی، (۱۳۹۲)، "بررسی رابطه‌ی بین مدیریت واقعی سود و مدیریت حسابداری سود از دیدگاه هموارسازی سود"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۷، صص ۱۵۸-۱۴۴.
- ۴) پورحیدری، امید و داود همتی، (۱۳۸۳)، "بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح‌های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۶، صص ۶۳-۴۷.

۵) خواجهی، شکرالله، بایزیدی، انور و جبارزاده کنگرلویی، سعید. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین مدیریت سود و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، شماره ۶۰، صص ۵۴-۲۹.

۶) سید عباس زاده، میرمحمد. (۱۳۸۰)، روش‌های عملی پژوهش در علوم انسانی. چاپ اول، ارومیه: دانشگاه ارومیه.

۷) مرادی، مهدی و حسینی، سید احسان (۱۳۹۱)، "بررسی رابطه تغییر همزمان مدیریت ارشد و مدیریت سود: سال پایانی حضور مدیران ارشد"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۶۰-۴۰.

۸) مشایخی، بیتا، ساسان مهرانی، کاوه مهرانی و غلامرضا کرمی، (۱۳۸۴)، "نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، صص ۷۴-۶۱.

۹) ملاظری، مهناز و ساناز کریمی زند، (۱۳۸۶)، "بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با نوع صنعت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۷، صص ۱۰۰-۸۳.

- 10) Altamuro, J.; Beatty, A. & Weber, J. (2005), "The Effects of Accelerated Revenue Recognition on Earnings Management and Earnings Informativeness: Evidence from SEC Staff Accounting Bulletin No. 101", the Accounting Review, 80 (2), PP. 373-401.
- 11) Barker, V., Mueller, G., (2002), CEO Characteristics and Firm R&D Spending Management. Science 48 (6), PP. 782-801.
- 12) Charitoun, N. L. and T. Lenos, (2007), "Earnings Behaviour of Financially Distressed Firms, The Role of Institutional Ownership", ABACUS, 43 (3), PP. 271-296.
- 13) Cohen, D.A., Dey, A., Lys, T.Z., (2008), Real and Accrual-Based Earnings Management in The Pre-and Post-Sarbanes Oxley periods. Account. Rev. 83 (3), PP. 757-787.
- 14) Cullinan, C., Roush, P., (2011), Has The Likelihood of Appointing a CEO with An Accounting/Finance Background Changed in The Post-Sarbanes Oxley era? Res. Account. Regul. 23, PP. 71-77.
- 15) Dechow, P. M., Sloan, R. G., and A. P. Sweeney, (1995), "Detecting Earnings Management", Accounting Review, 70, PP. 193-225.
- 16) DeFond, M. & Park, C., (1997), "Smoothing Income in Anticipation of Future Earnings", Journal of Accounting and Economics, 23, PP. 115-139.
- 17) Durfee, D., (2005), Why More Companies are Tapping Their Finance Chiefs for CEO. CFO 21, 52-60.
- 18) Dye, R., (1988), "Earnings Management in An Overlapping Generations Model", Journal of Accounting Research, 26, PP. 195-235.
- 19) Hambrick, D., Mason, P., (1984), Upper echelons: The Organization as a Reflection of Its Managers. Acad. Manag. Rev. 9 (2), PP. 193-206.
- 20) Han, J. C. and Y. Wong, (1998), "Political Costs and Earnings Management of Oil Companies during the 1990 Persian Gulf Crisis", the Accounting Review, 73, PP. 103-117.
- 21) Jansen, I. P.; Ramnath, S. and T. L. Yohn, (2012), "A Diagnostic for Earnings Management Using Changes in Asset Turnover and Profit Margin", Contemporary Accounting Research, 29 (1), PP. 221-251.

- 22) Jiang, F., Zhu, B., and Huang, J. ,(2013),“CEO’s Financial Experience and Earnings Management”, J. of Multi. Fin. Manag., 23,PP.134-145.
- 23) Kellog, I., and L. B. Kellog, (1991), Fraud Window Dressing and Negligence in Financial Statement. Colorado: McGraw Hill.
- 24) Kim, J. and Sohn, B. C. ,(2008),“Real Versus Accrual-Based Earnings Management and Implied Costs of Equity Capital”, Working Paper, City University of Hong Kong and City University of Hong Kong (CityUHK)-Department of Accountancy.
- 25) Kothari, S.P., Leone, A.J., Wasley, C.E., (2005), Performance Matched Discretionary Accrual Measures. J. Account. Econ. 39,PP. 163–197.
- 26) Matsunaga, S., and Yeung, E. (2008),“Evidence on The Impact of a CEO’s Financial Experience on the Quality of the Firm’s Financial Reports and Disclosures”, University of Oregon, Working Paper.
- 27) Roychowdhury, S. ,(2006),Earnings Management Through Real Activities Manipulation, J. Account. Econ, 42,PP. 335-370.
- 28) Stolowy, H., and G. Bereton, (2004),“A Framework for the Classification of Accounts Manipulations”, International journal of accounting.
- 29) Yoon, S. and A. Miller, (2002),”Cash From Operation and Earning Management in Korea”, The international journal of Accounting, 37,PP.341-355.
- 30) Yu, W. (2008). “Accounting-Based Earnings Management and Real Activities Manipulation”, Georgia institute of technology.
- 31) Zahra, S. A., Priem, R. L., and A. A. Rasheed, (2005),“The Antecedents and Consequences of Top Management Fraud”, Journal of Management, 31,PP. 803-828.
- 32) Zhang, W. ,(2008),“Real Activities Manipulation to Meet Analysts’ Cash Flow Forecasts”, Working Paper, University of Texas at Dallas.

یادداشت‌ها

¹Real Earnings Management (REM)

²T-test